

تقدیس شدن توسط حقیقت برای خارج شدن از خودمان  
و وارد شدن به درون خدای سه یکتا جهت یگانگی واقعی

مطالعه متون مقدس: یوحنا ۱۷: ۱۴-۲۴

۱. حقیقت همان نور الهی است که بر حقایق کتاب مقدس تابیده و یک بینش روحانی - آسمانی از این حقایق را در درون وجودمان نشان می‌دهد؛ در عهد جدید، حقیقت دلالت دارد بر یک چنین «تلوزیون آسمانی»:

آ. تمام حقایق الهی در کلام بوده و از طریق کلام به ما می‌رسند؛ وقتی که روح [قدوس] بر کلام می‌تابد، آن تلوزیون آسمانی را داریم؛ نور بر حقایق در کلام می‌تابد و یک بینش آسمانی از این حقایق را به درون وجودمان می‌رساند، و ما حقیقت را می‌شناسیم - اعمال ۲۶: ۱۶، ۱۹، افسسیان ۱: ۱۷-۱۸.

ب. آن روح، روح راستی [حقیقت]، روح واقعیت خوانده می‌شود (یوحنا ۱۴: ۱۷)؛ روح واقعیت، آن «الکتریسیته آسمانی» است که توسط آن، چیزهای روحانی به درون وجود ما به تصویر کشیده می‌شوند؛ او ما را به «تمامی حقیقت» هدایت خواهد کرد (۱۶: ۱۳)، که هرآنچه آن پسر هست و دارد را برای ما واقعی می‌کند (۱: ۱۴، ۱۷؛ ۶: ۱۴).

پ. وقتی که روح راستی، روح واقعیت، بر حقایق روحانی که در کتاب مقدس ثبت و درج شده است می‌تابد، ما حقیقت، واقعیت، را دریافت می‌کنیم؛ اگر ما کلام را بدون تابش روح بخوانیم، شاید تعلیم عقیدتی یا «گزارش‌های خبری» داشته باشیم ولی حقیقت، واقعیت، و یا بینش نداریم - ر. ک. ایوب ۴۲: ۵؛ یوحنا ۵: ۳۹-۴۰؛ دوم قرنتیان ۳: ۶.

ت. حقیقت همان تابش نور، ابراز نور، است؛ به عبارتی دیگر، حقیقت نور است که ابراز می‌شود؛ چون نور منشأ حقیقت بوده و حقیقت نتیجه نور است، وقتی ما در نور راه می‌رویم، حقیقت را تمرین می‌کنیم - یوحنا ۱: ۴-۵، ۷-۹، ۱۲-۱۳؛ ۸: ۱۲؛ ۱۴: ۶؛ اول یوحنا ۱: ۵-۶؛ دوم یوحنا ۴: ۳-۴.

ث. خداوند نور، حقیقت و کلام است؛ کلام، که حقیقت نیز هست، نور می‌بخشد، زیرا در کلام، نور هست - یوحنا ۸: ۱۲؛ ۱۴: ۶؛ ۱۷: ۱۷؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵، ۱۳۰.

ج. از آنجا که حقیقت تابش نور است - که نور حیات می‌باشد - حقیقت، نور و حیات، جدا ناپذیرند؛ وقتی که نور الهی به درون ما می‌تابد، در ما تبدیل به حقیقت شده و به درون وجودمان حیات می‌بخشد - یوحنا ۸: ۱۲، ۳۲، ۴۰؛ ۱۲: ۳۵-۳۶، ۴۶؛ ۱۴: ۶.

۲. حقیقت دارای دو عملکرد است:

آ. حقیقت ما را از بند گناه آزاد کرده، از همه چیزهای منفی آزاد می‌کند - ۸: ۳۲، ۳۶.

ب. حقیقت ما را از نظر جایگاه و در سرشت تقدیس کرده، با عنصر خدا اشباع می‌کند - ۱۷: ۱۷؛ افسسیان ۵: ۲۶.

۳. خدای سه یکتا در کلامش که توسط ما تحقق یافته و به درون وجودمان آورده شده و تزریق می‌شود، آن حقیقت است که ما را آزاد کرده و تقدیس می‌کند:

آ. وقتی ما دلسرد یا افسرده‌ایم و حس می‌کنیم که دروناً تهی هستیم، می‌توانیم خود را باز کرده و به کلام آییم؛ بعد از مدتی خواندن، چیزی در درونمان برخاسته و ما از حضور خداوند مسرت می‌بریم - مزامیر ۱۱۹: ۲۵، ۳۷، ۴۰، ۵۰، ۸۸، ۹۳، ۱۰۷، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۹.

ب. توسط اینگونه برگرفتن کلام، چیزی از خداوند به درون ما آورده می‌شود؛ این، واقعیت خدای سه یکتاست که در ما زندگی، حرکت و کار کرده و ما را جدا می‌سازد.

پ. هر صبح ما می‌توانیم کلام زنده در کلام کتبی را لمس کرده و دارای واقعیت الهی، خدای سه‌یکتای پروسه دیده به عنوان کلام کاربردی که به درون وجودمان تزریق می‌شود، باشیم - یوحنا ۱: ۱؛ ۱۰: ۳۵؛ ۵: ۳۹-۴۰؛ ۶: ۶۳؛ افسسیان ۵: ۲۶؛ ۶: ۱۷-۱۸؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۵:

۱. این تزریق عنصر خدا به درون وجودمان، ما را از چیزهای منفی، از جمله عصبانیت، حسادت، تنفر، و غرور آزاد می‌کند؛ آن ما را از هر نوع دروغ آزاد کرده، و ما دارای رهایی و آزادی واقعی می‌شویم.

۲. ما همانطور که آزاد می‌شویم، همچنین تقدیس و جدا شده، برای خدا نه تنها از نظر جایگاه بلکه در سرشت نیز مقدس می‌شویم؛ ما با خدا یک می‌شویم چرا که همان جوهر او درون ما بکار برده می‌شود.

ت. روزانه ما باید بدین گونه به کلام آییم؛ لازم است ما هر صبح به کلام آییم، و در صورت امکان، زمانهای دیگر نیز [به کلام آییم].

ث. وقتی کلام با روح زنده در روح ما آمیخته می‌شود، ما با جوهر خدا تقدیس می‌شویم.

ج. توسط اینگونه تماس داشتن با کلام، خدا روز به روز در ما افزوده می‌شود، در نتیجه، خدا در ما نفوذ کرده و ما با او یک می‌شویم.

چ. نیاز بسیار مهم ما این است که خدای سه‌یکتا از طریق کلام کتبی، کلام زنده، و کلام کاربردی خدا، در ما تزریق شده و بکار رود.

۴. تقدیس از طریق کلام حقیقت منجر می‌شود به یگانگی توسط رسیدگی به عوامل تفرقه؛ حقیقت تقدیس می‌کند، و تقدیس به یگانگی منجر می‌شود - یوحنا ۱۷: ۱۴-۲۴:

آ. خداوند عیسی، آن پسر، حقیقت است؛ روح همان روح حقیقت است؛ و کلام پدر، حقیقت است - ۱: ۱۴، ۱۷؛ ۱۴: ۶، ۱۷؛ ۱۷: ۱۷؛ اول یوحنا ۵: ۶:

۱. پدر در پسر تجسم شده، پسر به عنوان روح راستی [حقیقت] تحقق می‌یابد، و روح با کلام یک است - کولسیان ۲: ۹؛ یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۳؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸.

۲. ما هرگاه با قلبی باز و روحی باز به کلام آییم، بلافاصله هم کلام و هم روح به عنوان حقیقت را لمس خواهیم کرد.

ب. کلام تقدیس کننده، روح تقدیس کننده، حیات تقدیس کننده، و خدای تقدیس کننده جملگی یک هستند؛ پس اگر ما در حال تقدیس شدن باشیم، خودبخود یک هستیم، زیرا همه عوامل تفرقه از بین می‌روند.

پ. در یوحنا ۱۷: ۱۷-۲۳ می‌بینیم که تقدیس، منجر می‌شود به یگانگی واقعی، زیرا این تقدیس، ما را در خدای سه‌یکتا حفظ می‌کند؛ آیه ۲۱ می‌گوید، «تا همه یک باشند، همان گونه که تو ای پدر در من هستی و من در تو. چنان که آنها نیز در ما باشند»:

۱. به جهت یک بودن، ما باید در آن «ما» باشیم، یعنی، در خدای سه‌یکتا.

۲. تنها راه بودن در خدای سه‌یکتا، توسط حقیقت تقدیس کننده است که به همه عوامل تفرقه رسیدگی می‌کند.

۳. با حفظ شدن در خدای سه‌یکتا، ما یک هستیم، ولی هرگاه خارج از خدای سه‌یکتا باشیم، فوراً تقسیم می‌شویم.

۴. ما نیاز داریم تا هر صبح با خداوند تماس داشته، کلام زنده را لمس کنیم، و بگذاریم که واقعیت الهی در وجودمان تزریق شود؛ همانطور که بدینگونه با خداوند تماس داریم، بر عوامل تفرقه غلبه می‌شود.

۵. وقتی که عوامل تفرقه در ما توسط حقیقت تقدیس کننده به مرگ سپرده می‌شوند، ما به یگانگی واقعی آورده می‌شویم، زیرا تقدیس ما را در خدای سه‌یکتا حفظ می‌کند.

۶. تقدیس از طریق کلام حقیقت منجر می‌شود به یگانگی بدن مسیح، که یگانگی توسعه یافته

۵. تفرقه دارای چهار عامل است:

- آ. اولین از این عوامل، دنیوی بودن است؛ تا وقتی که ما هر جنبه از دنیا را دوست بداریم، آن جنبه از دنیوی بودن موجب تفرقه می‌شود - آ. ۱۴-۱۶، ۱۸؛ اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷؛ ۵: ۱۹.
- ب. یک علت دیگر برای تفرقه، جاه طلبی است؛ وقتی که از طریق کلام با خداوند تماس داشته و به او اجازه می‌دهیم که خودش را در ما تزریق کند، آن حقیقتی که بدین وسیله به درون ما آورده می‌شود، جاه طلبی ما را می‌گُشد - ر.ک. اشعیا ۱۴: ۱۳.
- پ. علت سوم برای تفرقه، خودستایی است؛ ما باید حاضر باشیم هیچ کس نباشیم و مسیح را به عنوان تنها کس تمجید کنیم، همان کسی که برتری عالمی دارد - کولسیان ۱: ۱۸؛ دوم قرنتیان ۴: ۵؛ سوم یوحنا ۹-۱۱.
- ت. چهارمین عامل تفرقه، عقاید و نظرهاست؛ ما نباید به عقیده خود بچسبیم ولی فقط هدف مسیح را دنبال کنیم؛ بازیابی مسیح به عنوان حیات و همه چیز، برای بناسازی کلیساست - متی ۱۶: ۲۱-۲۴؛ ر.ک. مکاشفه ۳: ۱۴.

۶. وقتی که ما از خود بیرون آمده و در خدای سه یکتا وارد می‌شویم، یک بوده و حتی کاملاً یک می‌شویم - یوحنا ۱۷: ۱۱، ۱۷، ۲۱-۲۳:

- آ. ما در خودمان دارای هر چهار عامل تفرقه هستیم؛ اگر در نفس بمانیم، نمی‌توانیم از این چهار مورد فرار کنیم.
- ب. تقدیس شدن این است که از خودمان بیرون آمده و در خدای سه یکتا وارد شویم و اجازه دهیم که مسیح در ما زندگی کند؛ از این طریق، ما کاملاً یک می‌شویم - آ. ۲۱-۲۳.
- پ. این تقدیس شدن، توسط کلام که حقیقت است و توسط روح که روح حقیقت است رخ می‌دهد:
۱. همانطور که ما هر صبح به کلام می‌آییم، ظاهراً کلام را لمس می‌کنیم، ولی دروناً آن روح ما را لمس می‌کند؛ ما توسط کلام و با آن روح، که هر دو واقعیت هستند، تقدیس می‌شویم.
  ۲. هرچه بیشتر کلام را لمس کرده و هرچه بیشتر توسط روح لمس شویم، بیشتر از خود بیرون می‌آییم؛ ما از یک محل سکونت، نفس، به یک محل سکونت دیگر، خدای سه یکتا، نقل مکان می‌کنیم.
  ۳. هر روز ما باید این گونه نقل مکان کنیم، زیرا دنیوی بودن، جاه طلبی، خودستایی، و عقاید و نظریات، در نفس هستند.
  ۴. اگر ما مدام کلام را لمس کرده و روز به روز به آن روح اجازه دهیم که ما را تحت تأثیر قرار دهد، تقدیس خواهیم شد، یعنی از خودمان، زیستگاه قدیمی ما، به درون خدای سه یکتا، زیستگاه جدیدمان، نقل مکان خواهیم کرد.
  ۵. زمانی که از خود خارج شویم، تقدیس می‌شویم، و از عوامل تفرقه جدا گشته و نه تنها به سوی خدا بلکه به درون خدا جدا می‌شویم.
  ۶. برای داشتن یگانگی واقعی، ما باید اول از خودمان خارج و به درون خدای سه یکتا وارد شویم (آ. ۱۷، ۲۱)؛ سپس باید به مسیح اجازه دهیم تا در ما زندگی کند (آ. ۲۳):  
(آ) این یگانگی کامل، بنای واقعی است؛ آن، رشد در حیات است - افسسیان ۴: ۱۶.  
(ب) رشد کردن در حیات بدین معناست که ما از خودمان خارج شده و به درون خدای سه یکتا وارد شویم و به مسیح اجازه دهیم که در ما زندگی کند؛ اگر ما به درون خدای سه یکتا وارد شده و بگذاریم مسیح در ما زندگی کند، می‌توانیم با مقدسین در هر محله‌ای یک باشیم.

ت. «من در آنان و تو در من، چنان کن که آنان نیز کاملاً یک گردند» - یوحنا ۱۷: ۲۳:

۱. کاملاً یک گشتن به معنای خلاص شدن از دنیوی بودن، جاه طلبی، خودستایی، و عقاید و

نظرهاست.

۲. «من در آنان» - یعنی اینکه آن پسر در ما زندگی و حرکت می‌کند.
۳. «تو در من» - یعنی اینکه آن پدر در پسر زندگی و حرکت می‌کند.
۴. به عبارتی دیگر، در حالی که پسر در ما زندگی و حرکت می‌کند، پدر در او زندگی و حرکت می‌نماید؛ با این زندگی و حرکتِ دوگانه، ما کاملاً یک شده و پدر را در جلال ابراز می‌کنیم.
- ث. یوحنا ۱۷: ۲۱ حاکی از جاه طلبی، آیه ۲۲ حاکی از خودستایی، و آیه ۲۳ حاکی از عقاید و نظریات است:
  ۱. در خدای سه‌یکتا جاه طلبی وجود ندارد، در جلال پدر خودستایی نیست، و در جایی که مسیح زندگی و حکمرانی می‌کند عقاید وجود ندارند.
  ۲. در قلمرو الهی و اسرار آمیز خدای سه‌یکتای پروسه دیده، جاه طلبی فرو بلعیده شده، خودستایی محوگشته، و عقاید و نظریات کشته می‌شوند؛ اینجا شرارتِ تفرقه در دنیای تحت قاعده شیطان وجود ندارد، در عوض، یگانگی واقعی وجود دارد.
- ج. یگانگی واقعی، زیستن در پدر است، اینکه اجازه دهیم مسیح در ما زندگی کند، و زیستن در جلال پدر، [یعنی] ابراز او - آ.آ. ۲۲، ۲۴:
  ۱. ما باید از خودمان خارج شده و به درون خدای سه‌یکتا وارد شویم و برای ابراز یا جلال پدر، در او پایدار بمانیم.
  ۲. بنای واقعی، یگانگی، فقط در خدای سه‌یکتا ممکن بوده، و فقط وقتی غالب است که مسیح در ما زندگی کند؛ سپس می‌توانیم پدر را در جلال ابراز کرده و یگانگی واقعی را تجربه کنیم.